

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.



دلخوری سارا بهرامی از منتقدان لمپن!

موضع گیری منفی منتقدان و اهالی رسانه به فیلم جمشیدیه ظاهرا باعث ناراحتی سارا بهرامی بازیگر این فیلم شده است. بهرامی که معلوم است برای بازی در این فیلم زحمت زیاد کشیده، در نشست خبری فیلم جمشیدیه این نارضایتی را علنی کرد. بهرامی با اشاره به تکرار همکاری اش با حامد کمیلی که پیشتر در فیلم ایتالیا هم رخ داده بود، با اشاره به این که «یکی از دغدغه‌های من این بود که بازی‌مان مثل گذشته نباشد» گفت: «من خیلی جایزه دوست دارم ولی برای سیمرغ بازی نمی‌کنم. روزهای گذشته چند نقد خواندم که خیلی دل‌راشکستند. من برای شان خیلی متأسفم. اصولا در جامعه ما لمپنیزم بخشی از روشنفکری شده است.»

یادداشت‌های یک ۳۷ ساله

از دیوانه‌خانه به روزهای ناامیدی



علیرضا مجمع

منتقد

جشنواره فیلم فجر دیگر آینه جامعه ایران نیست. سال‌ها قبل در دوره‌های ابتدایی جشنواره، زمانی که بخش مسابقه داشتیم و خارج از مسابقه، اتفاقا فیلم‌های خارج از مسابقه خیلی نمایشگر جدی روح جامعه در ساختار سینما بود. چیزی حدود ۶۰ فیلم در جشنواره فیلم فجر که با قاعده و دستور «اکران در جشنواره، پیش‌نیاز اکران عمومی» باید به جشنواره می‌رسیدند عملا دیوانه‌خانه‌ای برای فیلمسازان و استودیوهای صداگذاری و تدوین به وجود می‌آورد که بعضی از کارگردان‌ها را رسماً به جنون می‌کشید. فیلم میکس داریوش مهرجویی این وضع را به سادگی نمایش داده است.

این دستور غیرمنطقی اما، یک مزیت ویژه داشت و آن نمایش تقریباً همه فیلم‌هایی بود که قرار بود در سال بعد اکران شوند. به همین دلیل یک آینه جلوی منتقد و مردم گذاشته می‌شد از تکرر فیلمساز.

الان دیگر این وضع نیست. با افزایش تولید فیلم‌های سینمایی و گرم شدن تنور صنعت سینما نگاه فیلمسازان به جشنواره فجر با گذشته تفاوت جدی دارد. فیلمسازانی اصرار دارند به جشنواره بیایند که یا فیلم اولشان است و می‌خواهند دیده شوند، یا تهیه‌کننده‌شان به دنبال مطرح شدن است، و گرنه همین امسال فیلم‌هایی اکران شد و رکورد شکست که نیازی به جشنواره فجر نداشت. هزار یا ساخته کسی بود که از جشنواره فجر رشد کرده بود، اما نیازی ندید فیلمش را خرج جشنواره کند و رفت در اکران و بالای ۲۰ میلیارد فروخت. قانون مورفی رامبد جوان هم به همین ترتیب. جشنواره فجر دیگر آینه جامعه نیست. فیلمساز از مردم بسیار عقب‌تر است. او سعی می‌کند توصیه اخلاقی کند تا این که فیلم بسازد. یلدا (مسعود بخشی) و جمشیدیه (یلدا جیلی) نمونه‌های این توصیه‌هایی است که سینمایی پشتش نیست. سوزدها دیده شده و نگاه فیلمساز به دنبال مردم میدود به جای این که در منظر گاهی بایستد و به مردم از زاویه آن منظر گاه تصویری تازه از مسأله‌ای را نشان دهد. این چند روز جشنواره فجر هر سال از ناامیدکننده ترین روزهای سال برای ماست.

امان از فیلم‌هایی که گره گشایی ندارد

یک جشنواره با پایان باز!

بازگشت‌شان کمتر می‌شود.

ویژگی‌های جشنواره امسال

برخلاف فیلم‌هایی که سال‌های گذشته در جشنواره‌ها شرکت داده می‌شدند، امسال فیلم‌ها بیشتر در لوکیشن‌های بیرونی و حتی شهرهای دیگر ساخته شده‌اند، مثل فیلم قصر شیرین که لوکیشن آن در جاده و حوالی یاسوج است یا لوکیشن بنفشه آفریقای که در بخش شمالی کشور است. روزهای نارنجی هم در شمال کشور و باغ‌های آن حوالی ساخته شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های جشنواره امسال پروژه‌های بزرگی است که کارگردانی شده و می‌توان به فیلم‌های غلامرضا تختی، شبی که ماه کامل شد، بیست‌وسه نفر و ماجرای نیم‌روز ۲: رد خون اشاره کرد که در واقع از مهمترین پروژه‌های امسال هستند.

چه کسانی به سمت فرهادی رفتند؟

آن چه در سال‌های قبل تحت‌تاثیر فیلمسازی اصغر فرهادی اتفاق افتاد، ترغیب سینماگران به رفتن در سبک و سیاق او بود. نیما جاویدی یکی از اصلی‌ترین کسانی است که همیشه در این حوزه از او یاد می‌شود؛ کسی که در سال ۹۲ فیلم ملبورن را به تهیه‌کنندگی جواد نوروز بیگی و به سبک فرهادی ساخت که در واقع کاریکاتوری از فیلم‌های فرهادی بود. این فیلم داستان زوج جوانی است که در آستانه مهاجرت از ایران گرفتار ماجراهای عجیبی در آپارتمان خود می‌شوند. او بعد از نمایش فیلم نتیجه نسبتاً خوبی هم گرفت و ۱۳ جایزه بین‌المللی هم دریافت کرد. «عادت نمی‌کنیم» به کارگردانی ابراهیم ابراهیمیان، فیلم

نورا بیگ از چندسال قبل که اصغر فرهادی با فیلم جدایی نادر از سیمین موفق به دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان شد، سینماگران ایرانی هم یاد گرفتند، سراغ فیلم‌های آپارتمانی بروند، تا شاید ستاره بخت‌شان خوش بدرخشد. امسال اما ظاهراً جشنواره فیلم فجر از این نظر دچار یک تحول بزرگ هنری شده است و تا پایان ششمین روز از آن تنها فیلم جمشیدیه تقریباً در این سبک و سیاق دیده می‌شود. این فیلم به کارگردانی یلدا جیلی است که روز دوشنبه در کاخ جشنواره اکران شد؛ فیلمی که حتی برخی از منتقدان و خبرنگاران از آن به‌عنوان فیلم دورهمی یاد کردند، اما کارگردان قبول نداشت که فیلم دورهمی ساخته است و حتی در پاسخ به آنها گفت: «فیلم من به هیچ وجه دورهمی یا آپارتمانی نیست. فارغ از قصه‌های خوب گاه‌ما اجباراً به سمت سینمای آپارتمانی می‌رویم. خروجی فیلم جمشیدیه از تحقیقات بسیار فراوانی در آمده است.» داستان فیلم به زنی برمی‌گردد که به دلیل درگیری با یک مرد میانسال دچار عذاب وجدان شده و چند روز بعد متوجه می‌شود که پیرمرد ساعتی بعد از درگیری فوت کرده است؛ بنابراین با تصور این که ضربه‌های او باعث مرگ مرد میانسال شده، با ماجراهایی روبه‌رو می‌شود. البته آن چه در توضیح داستان این فیلم آمده این است: «ترانه و امیر (زن و شوهر ۳۴ و ۳۷ساله) در شب تولد امیر، درگیر حادثه‌ای شده و برای کشف حقایق نهفته در دل این حادثه، وارد مسیر پیچیده‌ای می‌شوند که هر چه در آن پیش می‌روند، امکان

پنهان کاری ساخته شده‌اند که در واقع توجه به آنها مخاطب را تقریباً به یاد کارگردانی و نوع انتخاب سوزده اصغر فرهادی می‌اندازد.

سیمرغ به کدام فیلم‌ها چشمک می‌زند؟

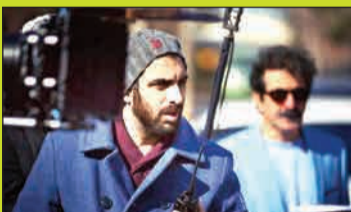
با تمام این حرف‌ها، البته هنوز هم هیچ کدام از فیلم‌های داخل جشنواره نتوانسته‌اند، رضایت تمام و کمال منتقدان را جلب کنند، تا شاید جای خالی ستاره‌ها در جدول‌های اعتبارسنجی فیلم‌ها پر شود. به نظر می‌رسد شانس‌های امسال جشنواره تا همین

دیگری بود که در سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و علاقه‌مندانی هم داشت، اما نتوانست جایزه‌ای کسب کند. از دیگر فیلم‌ها می‌توان به خانه خیابان چهل‌ویکم به کارگردانی حمیدرضا قربانی اشاره کرد که سال ۹۴ با موضوع قصاص، دیه و ولی دم تولید و بعد روانه سینماها شد. برقی روی کاج‌ها هم به کارگردانی پیمان معادی تقریباً همزمان با جدایی نادر از سیمین تولید شد. این فیلم‌ها اکثراً در همین سبک و سیاق و با موضوع خیانت یا

حاشیه

نرفته برکت

پولاد کیمیایی که دوشنبه از سینمای ایران خداحافظی کرده بود، یک روز بعد از تصمیمش پشیمان شد. او در پست قبلی اینستاگرامی‌اش نوشته بود: از ایران می‌روم اما حالا خلاف آن را مطرح کرده است: «تا روزی که نفس دارم، حالا می‌مونم و می‌جنگم، حتی از مخالفانم هم ممنونم، چون انگیزه بیشتری دارم تا خودم رو بیشتر ثابت کنم. همیشه در قلب من هستین و به امید شما هر کاری می‌کنم کجا برم باوجود فرشته‌هایی مثل شما.» ظاهراً پیام‌های هوادارانش او را از رفتن پشیمان کرده است: «شماها نشان خدا هستین، هیچ‌وقت این مهر رو فراموش نمی‌کنم. ممنون از تماس‌هاتون و پیام‌هاتون.»



منتقد / فیلم	یلدا	جمشیدیه	مردی بدون سایه
علی‌مصلح حیدرزاده	—	—	★
پوریا ذوالفقاری	★	★★	●
علیرضا مجمع	●	★	●
مریم نراقی	●	●	●
امین فرج‌پور	—	★★	★★
محمدصادق شایسته	★	★★	●

نظر منتقدان

امتیازات از ۵ ستاره داده شده است | (-): ندیده‌ام | ●: بی‌ارزش



بازیگران فیلم یلدا که مورد انتقاد زیاد خبرنگاران قرار گرفتند، در این عکس خود را به راه دیگری زده‌اند؛ مثلاً فقط بازیگریم، مسئول آدم دیگری است.



هر کی زودتر بشینه!



علی مصفا و آویسا سجادی بازیگر خردسال فیلم مردی بدون سایه با هم بر سر کلاه اختلاف دارند.